بیان محقق ایروانی در نفی دلالت مکاتبه بر استصحاب

اولین آنها برای مرحوم آقای ایروانی در نهایة النهایه است. شیخ فرمودند «والإنصاف: أن هذه الروایة أظهر ما في هذا الباب»، اما ایشان میگویند «لکن الانصاف انه اوهن ما فی الباب»! از حیث دلالت اوهن ما فی الباب همین مکاتبه است. خب چرا اوهن است؟ حال ایشان که خوب است، میگویند در دلالت اوهن است، یعنی فی الجمله احتمالش منتفی نیست اما احتمالش از همه اوهن است. اما در منتقی میفرمایند کار تمام است؛ اصلاً هیچ دلالتی بر استصحاب ندارد! اصلاً ربطی به استصحاب ندارد. ایشان به صفر رساندهاند.

مرحوم صاحب کفایه فرموده بودند «ربما یقال»، در نهایه میگویند «اوهن» است، در منتقی میگویند اصلاً دلالت ندارد و ربطی به استصحاب ندارد. حال من به ترتیب این دو را عرض میکنم. در نهایة النهایه ذیل فرمایش استادشان صاحب کفایه میفرمایند:

> **قوله: حيث دلّ على انّ اليقين بالشعبان: قال شيخنا المرتضى بعد نقل الرواية، و الإنصاف انّ هذه الرواية أظهر ما في هذا الباب من اخبار الاستصحاب، إلاّ انّ سندها غير سليم.**
>
> **أقول: بل الإنصاف انّها أوهن ما في الباب، من حيث الدلالة، امّا أولا: فلاحتمال العهد فيها. و امّا ثانيا: فلأنّ اليقين و الشك فيها يحتمل أمورا: الأول: اليقين بدخول كلّ من هلال شعبان و رمضان، و الشك في خروجه، فتدلّ الرواية على الاستصحاب الثاني، اليقين بكلّ من دخول رمضان و خروجه و الشك في ذلك الدخول و الخروج، فتكون الرواية كاشفة عن إناطة حكمي الصيام و الإفطار باليقين، فيكون وجوب الصوم دائرا مدار اليقين بدخول شهر رمضان و حرمته مدار اليقين بخروجه، فيكون الواجب صوم ما بين اليقينين لا صوم الشهر الواقعي، و عليه تكون قضية اليقين لا يدخل فيه الشك على حقيقته بلا تعبد. و تنزيل الثالث: أن يكون المراد من اليقين، اليقين بهلال شعبان و رمضان، و المراد من الشك الشك في دخول ما يقابله، فيكون كلّ من دخول الهلالين من قبيل المقتضي للحكم، و كلّ ما يقابله من قبيل المانع، فيفطر يوم الشك من شعبان و يصوم يوم الشك من رمضان، لأجل اليقين**

> **بالمقتضي و الشك في المانع**[1]

«أقول: بل الإنصاف انّها أوهن ما في الباب، من حيث الدلالة»؛ حال سند در جای خودش. اما از حیث دلالت اوهن ما فی الباب است. چهار احتمال را مطرح می‌کنند. در احتمال اول می‌گویند اساسا «ال» عهد باشد. اگر «ال» عهد باشد دیگر حضرت نمی‌خواهند قاعده استصحاب را بیان کنند. می‌گوید روزی که شک کردیم چه کار کنیم؟ حضرت فرمودند «الیقین». «ال» عهد است. ولو به فرمایش شما «الیقین» یقین به انعقاد شعبان باشد و شک در دخول ماه مبارک. ولو آن هم باشد دیگر قاعده نخواهد شد. فعلاً در خصوص ماه شعبان شما باید صبر کنید؛ صم للرؤیة. اگر «ال» عهد باشد و ناظر به مورد باشد، دیگر دال بر استصحاب نیست. من از فرمایش ایشان اینطور فهمیدم.

«امّا أولا: فالاحتمال العهد فيها»؛ یعنی «ال» عهد است که از آن قاعده کلیه استفاده نمی‌شود.

«و امّا ثانيا فلأنّ اليقين و الشك فيها يحتمل أمورا »؛ که بحث ما است. می‌گویند سه احتمال مطرح است. در «الیقین لایدخل فیه الشک» باید این سه احتمال را بررسی کنیم. هر کدام از آنها فرق می‌کند.

«الأول: اليقين بدخول كلّ من هلال شعبان و رمضان، و الشك في خروجه»؛ حضرت می‌فرمایند «الیقین لایدخل فیه الشک»، الیقین چیست؟ برای اول ماه مبارک الیقین به شعبان هست که می‌دانیم، لایدخل فیه الشک، که شک نسبت به خروج شعبان است. نه دخول رمضان. دخول رمضان احتمال سوم است. به شعبان یقین داریم، «لایدخل فیه الشک». یعنی شک در خروج او داریم. اگر شک در خروج داریم به این خروج اعتناء نمی‌کنیم. لذا ماه شعبان می‌شود.

«الأول: اليقين بدخول كلّ من هلال شعبان»؛ برای ماه مبارک، «و رمضان»؛ برای ماه شوال، **«و الشك في خروجه»؛** خروج خودش.

«فتدلّ الرواية على الاستصحاب»؛ اگر مقصود حضرت به این صورت است، این استصحاب است. اما احتمال دیگری هست. همانی است که صاحب کفایه مطرح کردند.

«الثاني اليقين بكلّ من دخول رمضان و خروجه و الشك في ذلك الدخول و الخروج، فتكون الرواية كاشفة عن إناطة حكمي الصيام و الإفطار باليقين»؛ الیقین، یعنی ماه مبارکی که فریضة من فرائض الله است فالتؤدّوها بالتظنی؛ دور ماه مبارک، ظن نیاوردی. «الیقین» یعنی ماه مبارکی که روزه مبتنی و منوط به حصول یقین است، لایدخل فیه الشک؛ در این محدوده ماه مبارک شک وارد نمی‌شود. پس یوم الشک ماه مبارک نیست؛ لیس بواجب الصیام.

«فيكون وجوب الصوم دائرا مدار اليقين بدخول شهر رمضان و حرمته مدار اليقين بخروجه»؛ پس تأکید این روایت بر یقین است. یعنی ماه مبارکی که انا‌طه به یقین دارد «لایدخل فیه الشک»، در آن نمی‌توانید یوم الشک را داخل کنید و روزه بگیرید. این احتمال دوم است.

> **21:33**

بعد توضیح بیشتری می‌دهند و مطلب را صریحتر می‌کنند. «فيكون الواجب صوم ما بين اليقينين»؛ دو یقین دارید که واجب صوم بین این دو یقین است؛ یقین به دخول و یقین به خروج. در ماه مبارک یقین می‌خواهید. دائر مدار یقین است.

«ال صوم الشهر الواقعي»؛ صوم شهر واقعی اصلاً واجب نیست. اصلاً موضوع وجوب شهر واقعی نیست. آن چه که موضوع وجوب است، صوم بین الیقینین است. «و علیه تكون قضية اليقين ال يدخل فيه الشك على حقيقته بلا تعبد و تنزيل»؛ نباید بگویید به‌منزله این است که بگویم حکمش را نیاورد. استصحاب این بود. اما در اینجا اینطور نیست. واقعاً به این صورت است که الیقین لایدخل فیه الشک. حقیقتاً و بدون تنزیل. بدون تنزیل یعنی چه؟ در «منتقی» که رسیدیم می‌بینید. یعنی وقتی شک کردید دیگر نمی‌گویید که شک داریم که واجب است یا نیست. بلکه به محض اینکه شک کنید چون موضوع وجوب یقینی است قاطع هستید به اینکه واجب نیست. بنابراین در «الیقین لایدخل فیه الشک» حقیقتاً صوم الشک جزء ماه مبارک نیست. چون موضوع وجوب صوم، یقینی است. و شکی که یقینی نیست قطعاً صوم ماه مبارک نیست و قطعاً واجب نیست. وقتی قطعاً واجب نیست دیگر شک، معنا ندارد و تنزیل هم نیست. واقعا لایدخل فیه الشک است. این هم احتمال دوم.

«الثالث: أن يكون المراد من اليقين، اليقين بهلال شعبان و رمضان، و المراد من الشك الشك في دخول ما يقابله»؛ مقابل شعبان یا رمضان. یعنی الیقینی که به مربوط به ماه شعبان است، لایدخل فیه الشک؛ نه شک در خروج شعبان بلکه شک در مقابل شعبان که ماه مبارک است. الیقین که شعبان است لایدخل فیه الشک بدخول رمضان. همچنین ماه مبارک که یقینی است، لایدخل فیه الشک بدخول الشوال.

شاگرد: در اینجا خروج یعنی چه؟

استاد: تفاوتش استصحاب در مقتضی و مانع با استصحاب در مقتضی می‌شود. اگر بگوییم یقینی داشتیم که شوال هست اما شک در خروجش داریم، دراینصورت شک در مانع نداریم بلکه شک در اقتضاء ماه داریم.

شاگرد: در احتمال دوم... .

استاد: در احتمال دوم هر دو یقین برای ماه مبارک بود.

شاگرد: یعنی یقین به شعبان دارد و در آن طرف هم شک در خروج شعبان دارد.

استاد: دومی ای سومی را می‌گویید؟

شاگرد: یقین در شعبان و شک در خروج شعبان.

استاد: من نمی‌دانم منظور شما کدام یک از آن‌ها است. یک بار دیگر می‌گویم. احتمال اول یقین به شعبان و شک در خروج شعبان است. احتمال دوم یقین به دخول رمضان و یقین به خروج رمضان است. هر دوی آن‌ها یقین است. احتمال سوم یقین به شعبان و شک در دخول رمضان است.

شاگرد: اولی و سومی بود.

استاد: تفاوت اولی و سومی در شک در مقتضی است. اولی استصحابی است که شک در مقتضی است؛ مثل مرحوم شیخ جریان استصحاب در شک در مقتضی را جایز نمی‌دانستند، اینجا را قبول ندارند و می‌گویند که شک در مقتضی است. چون شک در خروج است لذا نمی‌توانند استصحاب کنند. اما سومی را می‌توانند؛ شک دارم که برای آن مانعی آمده یا نیامده. خودشان هم تصریح می‌کنند.

«فيكون كلّ من دخول الهلالين من قبيل المقتضي للحكم، و كلّ ما يقابله من قبيل المانع، فيفطر يوم الشك من شعبان و يصوم يوم الشك من رمضان، لأجل اليقين بالمقتضي و الشك في المانع».

در ادامه نسبت به «ربما يقال» استادشان صاحب کفایه می‌فرمایند:

> **قوله: و انّه لا بدّ في وجوب الصوم و وجوب الإفطار: يعني انّ حكمي الصوم و الإفطار غير متوجهان إلى واقع الرمضان و واقع الشوال، بل إلى المعلوم منهما، على أن يكون العلم دخيلا في الموضوع، فتكون قضية اليقين لا يدخل فيه الشك منزلا على حقيقته، من عدم الدخول الخارجي الوجداني دون التنزيلي التعبدي، فانّ ما أخذ في موضوعه القطع لا يعقل دخول الشك فيه، بل هو: اما قطعي الثبوت أو قطعي الانتفاء، من غير أن يكون له حالة ثالثة[2]**

«بل إلى المعلوم منهما، على أن يكون العلم دخيلا في الموضوع»؛ یعنی اساساً باید علم به ماه مبارک باشد. اگر نباشد نیست. دیگر تصریح می‌کنند. خب دراین‌صورت اشتراک الاحکام بین العالم و الجاهل چه می‌شود؟ می‌گویند برای آن جایی است که علم دخیل نباشد. وقتی در اینجا دلیل داریم که علم دخیل در موضوع است، دیگر آن بحث برای اینجا نیست. معقد اجماع شامل اینجا نمی‌شود.

«فتكون قضية اليقين لا يدخل فيه الشك منزلا على حقيقته، من عدم الدخول الخارجي الوجداني دون التنزيلي التعبدي»؛ واقعاً ماه مبارک داخل نشده. چرا؟ چون ما علم نداریم. نه اینکه استصحاب و تنزیل بگوییم داخل نشده.

«فانّ ما أخذ في موضوعه القطع لا يعقل دخول الشك فيه، بل هو: اما قطعي الثبوت أو قطعي الانتفاء، من غير أن يكون له حالة ثالثة»؛ این توضیح بیان صاحب کفایه توسط ایشان.

خب ملاحظه کردید که ایشان فرمودند «اوهن الوجوه» است. یعنی خلاصه روایت قاسانی برای استصحاب هست یا نیست؟ فرمودند خیلی ضعیف است که باشد ولی احتمالش صفر نیست. اما در منتقی آنطوری که من از عبارت می‌فهمم بحث را طوری جلو بردند گویا می‌گویند احتمال دلالت روایت قاسانی بر استصحاب صفر است؛ یعنی حتی دیگر اوهن نیست. اصلاً دیگر مجالی برای استصحاب نیست.

---

[1] نهایة النهایة في شرح الکفایة ج۲ص۱۸۵

[2] همان ص۱۸۵

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 15:21:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 15:25:36 توسط ... .